

ارزیابی اثربخشی وام‌های خوداشتغالی در طول برنامه سوم توسعه در استان گلستان

نویسندگان: ابراهیم عباسی*
محسن آریانفر**

چکیده

هدف مقاله حاضر، ارزیابی اثربخشی اجرای ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه در خوداشتغالی استان گلستان است. وام‌های خوداشتغالی در این استان در طول سال‌های ۱۳۸۲-۳، توسط سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی پرداخت شده است. نتایج آزمون دوجمله‌ای نشان داد که وام‌های خوداشتغالی سازمان کار و امور اجتماعی، موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار نشده است، اما وام‌های صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی به ایجاد اشتغال مورد انتظار انجامیده است. همچنین درصد وام‌های خوداشتغالی موفق صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی، بیش از درصد وام‌های موفق سازمان کار و امور اجتماعی است.

abbasiebrahim2000@yahoo.com

mohsoon.arian@gmail.com

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء

** کارشناس ارشد مدیریت دولتی (مالی) - کارشناس اعتباری طرح‌ها

علاوه بر این، بین تعداد وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده و تعداد اشتغال ایجاد شده در شهرهای استان، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: وام خوداشتغالی، ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، وام‌های موفق (اشتغال‌زا)،

استان گلستان

مقدمه

معضل بیکاری از مسائل مهم در فرایند توسعه پایدار است. از این رو، در کانون توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. افزایش نرخ بیکاری موجب بروز ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی شده و با امنیت عمومی مرتبط است. بنابراین سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند برای رفع معضل بیکاری، از راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده کنند. امروزه سیاست‌های فعال بازار کار، یکی از ابزارهای مهم سیاست‌گذاری اشتغال در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است. هدف از این سیاست، کمک به بیکاران جویای کار است. در بین این سیاست‌ها، برنامه حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و کمک به خویش‌فرمایان و خوداشتغالی از اهمیت زیادی برخوردار است. برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) در شرایطی به تصویب رسید که نرخ بیکاری افزایش یافته بود. در این برنامه جوان بودن جمعیت، افزایش مشارکت اجتماعی و ایجاد اشتغال مورد توجه قرار گرفت. از این رو، آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه و پرداخت سی میلیون ریال وام خوداشتغالی به تصویب رسید. در این راستا، وزارت کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی از طریق پرداخت تسهیلات تلاش کردند با ایجاد سیصد هزار فرصت شغلی جدید برای بیکاران جویای کار، نرخ بیکاری را کاهش دهند. انتظار می‌رفت که هر مورد وام پرداختی، موجب اشتغال شخص وام‌گیرنده (اشتغال یک نفر به ازای هر وام) شود، از این رو، لازم است میزان اثربخشی این تسهیلات در ایجاد اشتغال مورد بررسی قرار گیرد. هدف پژوهش حاضر، شناخت تأثیر وام‌های خوداشتغالی سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی استان گلستان بر اشتغال وام‌گیرندگان، شناخت درصد وام‌های خوداشتغالی موفق و رابطه بین وام‌های خوداشتغالی و اشتغال ایجاد شده در شهرهای استان گلستان است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خوداشتغالی مفهومی در برابر دگراشتغالی است و بر کار کردن و کسب درآمد برای خود دلالت می‌کند. در این نوع اشتغال، میزان درآمد شاغل ثابت نیست و به سودآوری فعالیت تجاری و خدماتی وی بستگی دارد. خوداشتغالی فرصتی برای ارتقای حرفه‌ای از طریق کسب و کار بیشتر یا کسب جایگاه اجتماعی بالاتر است. خوداشتغال ممکن است کارگاه داشته باشد و به تنهایی در آن کار کند یا افراد دیگری را به استخدام درآورد. به هر حال، خود شاغل در بنگاه غیرسهامی کار می‌کند. وی به اتکای توان شخصی، ابتکار و خلاقیت خود به کارهای تولیدی، خدمات فنی و در نتیجه کسب درآمد می‌پردازد. شاغل به تدریج آماده کسب توانایی لازم برای ورود به بازارهای بزرگ‌تر می‌شود و به رشد اشتغال و کارآفرینی در جامعه کمک می‌کند. از این رو، خوداشتغالی هر نوع فعالیت تولیدی و خدماتی مولد ارزش افزوده اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی و به صورت غیرمزدبگیری است. طرح‌های خوداشتغالی با هر میزان از توانمندی، دانش و مهارت حرفه‌ای می‌توانند در کوتاه‌مدت و با حجم سرمایه‌گذاری کم، فرصت‌های اشتغال را به وجود آورند (بی‌نام، ۱۳۸۳).

در اغلب کشورها، جویندگان کار تصور می‌کنند که خوداشتغالی (کارکردن برای خود) در مقایسه با کارکردن برای کارفرما و صاحب کار مطلوب‌تر است. پژوهشی درباره ۷۰ کشور نشان داد که عده زیادی از جویندگان کار به خوداشتغالی تمایل دارند، اما امکان اینکه هر کسی خوداشتغال باشد، کم است. زیرا افراد خوداشتغال انگیزه زیادی دارند و از توانایی و مهارت‌هایی نیز برخوردار هستند. به عنوان مثال، پژوهشی در آمریکا نشان داد که ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان به خوداشتغالی تمایل داشته‌اند، اما فقط ۷ درصد از آنها واقعاً از انگیزه و توانایی لازم برای خوداشتغالی برخوردار بودند (بلنچ فلاور^۱، ۲۰۰۵). سیاست‌های اقتصادی مربوط به خوداشتغالی در انعطاف‌پذیری بازار کار و گسترش اشتغال نقش زیادی دارند و یکی از عوامل کاهش بیکاری هستند. دو فرضیه زیر ضرورت خوداشتغالی را توجیه می‌کند:

الف - فرضیه اجبار بیکاران: طبق این فرضیه اغلب بیکاران از فرصت استخدام توسط کارفرمایان

و در نتیجه کسب درآمد برخوردار نیستند، از این رو به اجبار به خوداشتغالی رو می‌آورند.

ب - فرضیه کشش بیکاران: طبق این فرضیه، عده‌ای از بیکاران به دلیل آنکه عموم تصور می‌کنند برنامه خوداشتغالی موفقیت‌آمیز است و از آنجایی که تداوم اشتغال به مهارت خوداشتغال وابسته است، به خوداشتغالی رو می‌آورند (گلوکر و استینر^۱، ۲۰۰۷).

دو نوع سیاست برای حمایت از خوداشتغالی وجود دارد:

۱- سیاست‌های انفعالی: این سیاست‌ها به صورت معافیت‌ها یا تخفیف‌های مالیاتی، پرداخت‌های انتقالی و کمک‌های بلاعوض، بیمه بیکاری، تأمین نیازهای مالی بیکاران و یارانه اعمال می‌شود که به آن سیاست‌های مالی و اعتباری نیز گفته می‌شود. در این روش، برای آغاز فعالیت خوداشتغالی، تسهیلات و خط اعتباری به متقاضیان واجد شرایط اعطا می‌شود. این اعتبارات ممکن است بلاعوض یا با نرخ کارمزد ناچیزی باشند. اعطای تسهیلات اعتباری به منظور حمایت مالی از خوداشتغالی و طرح‌های اشتغال‌زا در قانون بودجه از سال‌های اولیه برنامه اول توسعه انجام شد (علاءفر، ۱۳۸۱).

۲- سیاست‌های فعال: اگر حمایت‌ها و سیاست‌های پشتیبانی موجب ایجاد اشتغال برای فرد بیکار شوند، به آنها سیاست‌های فعال در بازار کار گفته می‌شود. فرد مذکور قبل از خوداشتغالی از خدمات مشاوره و آموزش شغلی برخوردار می‌شود. این مشاوره‌ها می‌توانند به‌طور حضوری یا مکاتبه‌ای مانند مشاوره‌های حسابداری و مدیریتی، بعد از خوداشتغالی نیز ادامه یابند. سیاست‌های فوق، عرضه و تقاضای نیروی کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب افزایش اشتغال و درآمد می‌شوند. در ضمن آثار جانبی مانند بهبود توزیع درآمدها و برقراری عدالت اجتماعی نیز دارند. دولت‌ها از طریق آموزش‌های حرفه‌ای - مهارتی و پرداخت یارانه‌های فردی، منحنی‌های عرضه و تقاضای نیروی کار را انتقال می‌دهند و مشاغل موقتی پدید می‌آورند. آموزش‌های فنی و سایر خدمات اشتغال‌زایی می‌توانند عدم تعادل‌های ساختاری را از طریق بهبود انطباق وضعیت کارگران با مشاغل کاهش دهند. از جمله سیاست‌های فعال، افزایش مهارت‌ها و بهره‌وری نیروی کار است. این سیاست می‌تواند علاقه و وابستگی بیکاران بلندمدت را به شاغل شدن افزایش دهد و از وابستگی آنها به منافع بیکاری (مانند بیمه بیکاری) بکاهد. سیاست‌های فعال می‌توانند به تعدیل رکودهای ادواری، کاهش عدم تعادل‌های ساختاری، بهبود عملکرد بازار نیروی کار و افزایش بهره‌وری کمک

کنند (تافلر، ۱۳۷۷). یافته‌های پژوهش‌هایی در پانزده کشور صنعتی درباره سیاست‌های فعال بازار کار بیانگر تأثیر این سیاست‌ها بر نرخ اشتغال است. علاوه بر این، برخی از سیاست‌های مذکور برای رشد کارآفرینی، نیز اثربخش بوده‌اند (استوا، ۲۰۰۷).

بخشی از معضل بیکاری در همه کشورهای دنیا از طریق خوداشتغالی برطرف می‌شود. تمایل ذاتی افراد به کارآفرینی، دسترسی به سرمایه‌های انسانی و مالی، درآمد حاصل از خوداشتغالی و موقعیت اجتماعی خوداشتغالی نسبت به مشاغل مزدبگیری، از جمله عوامل مؤثر در گرایش افراد به خوداشتغالی هستند. جدول (۱) درصد خوداشتغالی را در بخش‌هایی به جز کشاورزی در تعدادی از کشورها نشان می‌دهد (بی‌نام، ۱۳۸۳). بدیهی است اگر آمار خوداشتغالی ناشی از بخش کشاورزی نیز به این آمار اضافه شود، در این صورت، سهم خوداشتغالی در کاهش بیکاری افزایش خواهد یافت. تفاوت زیاد در آمارهای این جدول، بیانگر اهمیت نسبی خوداشتغالی در کشورهای مختلف است که بخشی از آن به سطح توسعه‌یافتگی کشور و بخشی به ویژگی‌های ساختاری اقتصادی و تعریف خوداشتغالی مربوط است.

جدول (۱): درصد خوداشتغالی در بخش‌های غیرکشاورزی

کشور	آمریکا	روسیه	اروپای شرقی	آلمان	ایتالیا	انگلیس	استرالیا
درصد خوداشتغالی	۸/۶	۵/۴	۱۰	۱۰	۲۸	۱۲/۵	۱۱/۳
کشور	اتریش	بلژیک	کانادا	دانمارک	فنلاند	فرانسه	یونان
درصد خوداشتغالی	۷/۴	۱۴/۴	۸/۹	۷/۲	۹/۱	۷/۸	۲۵/۱
کشور	ایسلند	ایرلند	ژاپن	هلند	نیوزلند	نروژ	پرتغال
درصد خوداشتغالی	۱۳/۲	۱۱/۷	۱۲	۹/۶	۱۴/۵	۵/۴	۱۷/۳
کشور	اسپانیا	سوئد	ترکیه				
درصد خوداشتغالی	۱۷/۴	۸/۵	۲۲/۵				

سیاست‌های خوداشتغالی در کشورهای مختلف اعمال می‌شود. جدول (۲) سیاست‌های مستقیم و اصلی برای حمایت از خوداشتغالی را در برخی از کشورها نشان می‌دهد. در بسیاری از این کشورها سهم هزینه‌های خوداشتغالی از مجموع مخارج سیاست‌های اشتغال‌زایی ناچیز است. به عنوان مثال،

در آلمان این نسبت ۲/۷ درصد، در ایتالیا ۲/۱ درصد، در مجارستان ۲/۵ درصد و در لهستان ۵ درصد است. علاوه بر این، اعمال سیاست‌های خوداشتغالی در ایتالیا اثربخش‌تر از سایر کشورها بوده است (بی‌نام، ۱۳۸۳).

جدول (۲): روش‌های اعمال سیاست خوداشتغالی در کشورهای مختلف

کشور	روش‌های اعمال سیاست خوداشتغالی
آمریکا	پرداخت تسهیلات، آموزش و مشاوره
آلمان	پرداخت بلاعوض، پرداخت تسهیلات، آموزش و مشاوره
ایتالیا	حمایت مالی، تسهیلات بلاعوض و مشاوره
مجارستان	تسهیلات مالی، آموزش مشاوره
انگلستان	تسهیلات مالی، کمک‌های بلاعوض
بلژیک	تسهیلات مالی، آموزش و مشاوره
یونان	تسهیلات مالی، کمک بلاعوض و مشاوره
نروژ	تسهیلات مالی، کمک بلاعوض، آموزش و مشاوره
بلغارستان	کمک‌های بلاعوض
لهستان	کمک‌های بلاعوض و تسهیلات مالی
فرانسه	کمک‌های بلاعوض

در کشور هندوستان، به تکنولوژی کاربر داده اولویت داده می‌شود. در آیین جدید خوداشتغالی به جای این که جویندگان کار را به بخش مزدبگیری تشویق کنند، به راه‌اندازی کسب و کار مستقل و ایجاد کار برای خود تشویق می‌کنند. برای کمک به متقاضیان کار، خدماتی مانند مشاوره، راهنمایی، تأمین اعتبار، بازاریابی و آموزش کارآفرینی ارائه می‌شود. همچنین برای افزایش آگاهی عموم افراد درباره خوداشتغالی از رسانه‌های گروهی استفاده می‌شود. مرکز خدمات اشتغال و مراکز اشتغال دانشگاه‌ها ارائه اطلاعات و خدمات مشاوره‌ای به متقاضیان کار را بر عهده دارند. بانک‌های تجاری در هر ماه اعطای اعتبار به حداقل ۲ نفر متقاضی را تعهد می‌کنند. برای مناطق محروم‌تر، اعطای وام‌های کوچک با نرخ‌های بهره ترجیحی و تسهیلات خاص استفاده می‌شود. آموزش کارآفرینی روشی برای رواج خوداشتغالی است که افراد از طریق آموزش، موفق می‌شوند طرح‌های خوداشتغالی در رشته‌های مختلف را اجرا کنند. کتابی نیز به نام «صنایع کوچک هندوستان» منتشر شده است که حاوی اطلاعات فنی و اقتصادی ۲۰۰ شغل برای جویندگان کار به منظور اشاعه فرهنگ خوداشتغالی می‌باشد (علاءفر، ۱۳۸۱).

چین نیز در طول ۲۰ سال (۹۸-۱۹۷۸) توانسته است با جذب کمک‌های خارجی و استقراض، ۲۲۶ میلیون شغل ایجاد کند. این کشور در طول دو دهه اخیر، درآمد سرانه خود را از ۵۰۰ دلار به ۲۶۰۰ دلار افزایش داده است. متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آن ۹ درصد و متوسط نرخ تورم کمتر از ۹ درصد است (میدری، ۱۳۸۳). در این کشور از توان روستاها در ایجاد شغل استفاده می‌شود و سازمان‌هایی مانند تأمین اجتماعی که از بازار کار، درآمد کسب می‌کنند، موظف شدند خدمات آموزشی و مشاوره‌ای ارائه کنند. در این کشور از امکانات سازمان‌های دولتی برای اشتغال استفاده می‌شود و مؤسسات خصوصی کاریابی و خدمات اشتغال راه‌اندازی شده است. همچنین مراکز مبادله اطلاعات فنی درباره اشتغال در شهرهای مختلف ایجاد شده است و از امکانات و تجهیزات مازاد دولت نیز برای ایجاد اشتغال استفاده می‌شود. آموزش فنی و حرفه‌ای، به روستاها انتقال می‌یابد و نگاه‌ها به اشتغال‌زایی در بخش صنعت و کشت‌پذیری بخشی محدود نیست. در آلمان، تمرکز سیاست‌های فعال بازار کار در طول سال‌های اخیر به سمت خوداشتغالی بوده است. دولت اثربخشی برنامه‌های تحلیل‌کارایی خوداشتغالی بیکاران را از لحاظ احتمال شاغل شدن اندازه‌گیری می‌کند. بر این اساس، بودجه مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های خوداشتغالی برآورد می‌شود. خدمات عمومی کار نیز از طریق مراکز اطلاعات، اینترنت و آموزش‌های فنی و فردی انجام می‌شود (بامگرتنر و کالیندو^۱، ۲۰۰۷).

ایجاد فرصت‌های شغلی در آلمان از دو طریق انجام می‌شود:

الف - مراکز کاریابی تحت پوشش وزارت کار: در این مراکز با استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی و با ایجاد ساختار و تشکیلات ویژه، برای فارغ‌التحصیلان خدمات راهنمایی و مشاوره ارائه می‌شود.
ب - وزارت اقتصاد و تکنولوژی: در این وزارتخانه از طریق تسهیلات مالی، فرصت‌های شغلی ایجاد می‌شود و افراد بیکاری که یک حرفه و مدرک دانشگاهی داشته باشند، پس از گذراندن آزمون برای دریافت تسهیلات معرفی می‌شوند و تسهیلات به دو صورت پرداخت می‌گردد:

۱- ارائه کمک‌های مالی بلاعوض، ۲- تسهیلات بانکی: در این تسهیلات، ۱۰ سال اول، دوره تنفس است و برای سال‌های ۱۳-۱۱ بدون بهره است و برای سال‌های بعد با بهره ۳٪ الی ۶٪ تقسیم می‌شود. در این تسهیلات، سهم افراد از سرمایه‌گذاری ۱۵٪، تسهیلات بدون تضمین مالی

۲۵٪ و تسهیلات با تضمین دولت ۶۰٪ است (عالی پور، ۱۳۸۳).

در آمریکا فعالیت‌های خوداشتغالی در طول سه دهه گذشته رشد چشمگیری داشته است. در سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۶۹، تعداد افراد خوداشتغال در بخش‌های غیرکشاورزی سه برابر شده و از ۹/۶ میلیون نفر به ۲۹/۲ میلیون نفر افزایش یافته است. تعداد کارکنان حقوق‌بگیر، ۷۷ درصد رشد داشته است. به طوری که در سال ۲۰۰۳، حدود ۹/۲ درصد از کارگران زن و ۱۵/۵ درصد از کارگران مرد خوداشتغال بودند (بادیگ^۱، ۲۰۰۷). در سال ۲۰۰۵، تعداد افراد حقوق‌بگیر در آمریکا در مقایسه با سال ۲۰۰۳ حدود ۱/۷ میلیون نفر کاهش یافته است. در حالی که در این سال‌ها، تعداد شاغلین خوداشتغال همواره رشد فزاینده‌ای داشته است (گوتز^۲، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، خوداشتغالی در آمریکا رویکردی سنتی به منظور تثبیت وضع معیشتی مهاجران محسوب می‌شود. پژوهشی در این باره نشان داده است که سرمایه شخصی، خصوصیات شخصیتی، سطح سواد، آشنایی به زبان و مدت اقامت از جمله دلایل مهاجران در تمایل به خوداشتغالی است. از خوداشتغالی‌های رایج در آمریکا نگهداری منزل، نگهداری کودک، خدمات تاکسیرانی، خدمات نظافت خانه، تعمیر کار سیار، ایجاد رستوران، بنایی، خدمات لباسشویی، آرایشگری، عطاری، خدمات پزشکی، احداث پمپ بنزین و طراحی سیستم‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. نتایج این پژوهش نشان داده است که نرخ خوداشتغالی در مهاجران مقیم آمریکا بیش از مردم خود آمریکا می‌باشد (مادو و کاما^۳، ۲۰۰۶). قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) برای کاهش نرخ بیکاری جوانان، سیاست‌های اشتغال‌زایی را در مواد ۴۸ الی ۵۸ این قانون تصویب کرد (جلالی، ۱۳۸۰). در راستای اجرای ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، ایجاد اشتغال از طریق توانبخشی و حمایت از واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط به منظور ایجاد فرصت شغلی جدید و از طریق کارگاه‌های دایر که مجوز فعالیت از مراجع رسمی داشتند، مد نظر بود که طرح ضربتی اشتغال نام گرفت. هدف اصلی طرح، توانبخشی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط به منظور ایجاد سیصد هزار فرصت شغلی جدید بود (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۸۱).

وام خوداشتغالی وامی است که در راستای اجرای ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه از طریق

-
1. Budig
 2. Goetz
 3. Mauda & Comeau

بانک‌های عامل به افراد بیکار و واجد شرایط معرفی شده از سوی سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی پرداخت می‌شود. هدف نهایی از پرداخت این وام‌ها، ایجاد شغل برای فرد متقاضی است. واجدین شرایط وام‌های خوداشتغالی در استان گلستان، در سال ۱۳۸۲ توسط سازمان کار و امور اجتماعی استان و در سال ۱۳۸۳، توسط صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی استان به بانک‌های عامل معرفی شدند. این تسهیلات به هر متقاضی سی میلیون ریال در قبال ایجاد یک فرصت شغلی، با نرخ کارمزد ۴ درصد و دوره تنفس و بازپرداخت ۵ ساله به متقاضیان پرداخت شد. در آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون سوم توسعه، تعداد فرصت‌های شغلی طرح ضربتی اشتغال، به تفکیک استان‌ها هدف‌گذاری شده است. سهم استان گلستان ۹۵۷۰ نفر که معادل ۳۰۱۹ درصد از سیصد هزار فرصت شغلی است، هدف‌گذاری شد.^۱ فصل ۶ از حوزه فرابخشی برنامه سوم توسعه، نتیجه پرداخت تسهیلات وام خوداشتغالی مواد قانون برنامه از جمله ماده ۵۶ را در اشتغال‌زایی می‌بیند. قانون‌گذار در ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه انتظار دارد این وام‌ها با ایجاد مشاغل کوچک، برای متقاضیان بیکار جویای کار که فاقد سرمایه هستند، فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کند. بنابراین، انتظار می‌رود پرداخت هر وام سی میلیون ریالی موجب اشتغال یک نفر متقاضی جویای کار شود.

اعطای تسهیلات به بیکاران، بر اساس ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، معایبی نیز دارد. به‌طوری که تزریق منابع به بازار، موجب افزایش تقاضا می‌شود و جنبه تورمی دارد. سی میلیون ریال برای ایجاد یک واحد جدید اقتصادی، کافی نیست. تضمینی برای پایداری مشاغل جدید وجود ندارد. این وام نرخ بیکاری را نیز افزایش می‌دهد. زیرا اعطای تسهیلات به بیکار، باعث افزایش تعداد بیکاران کاذب می‌شود. ریسک برگشت اعتبارات اعطایی، بسیار زیاد است. در اکثر موارد، بیکاران جویای کار، فاقد مهارت‌های لازم و شرایط کارآفرینی هستند. در مواردی ممکن است بیکار جویای کار به یک بیکار بدهکار تبدیل گردد و موجب افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی شود.

مخالفین به جای طرح ضربتی اشتغال، اعطای تسهیلات به کارآفرینان و بنگاه‌های فعال و دایر را به دلایلی توصیه می‌کنند. این دلایل عبارت‌اند از: داشتن اثر ضد تورمی به دلیل تولید کالا و

۱. آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه

خدمات بیشتر. استفاده از استعدادهای کارآفرینی و امکانات موجود به جای توجه به اشخاص بیکاری که احتمالاً از مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینی برخوردار نیستند. ریسک برگشت تسهیلات کم است. زیرا کارآفرین و بنگاه دایر و فعال با بیکار در جستجوی کار متفاوت است. با توجه به سرمایه‌گذاری‌های ثابت انجام شده و دایر بودن بنگاه، امکان ایجاد فرصت شغلی بیشتر و جدید وجود دارد. این تسهیلات صرفاً به بیکاران واقعی که توانایی و مهارت دارند، اما فاقد سرمایه هستند پرداخت می‌شود، بنابراین تعداد متقاضیان بیکار کاذب برای دریافت تسهیلات، کاهش می‌یابد. با توجه به رواج فرهنگ استاد - شاگردی در بنگاه‌های دایر و فعال کشور، پرداخت تسهیلات به این بنگاه‌ها، به پایداری شغل کمک می‌کند. طرح پرداخت تسهیلات به کارآفرینان و بنگاه‌های دایر و فعال در مقایسه با طرح ماده ۵۶، موجب تقویت کارآفرینان می‌شود و به ایجاد اشتغال کمک می‌کند (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۸۱).

صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی به منظور حمایت مالی از کارجویان کم‌سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در سال ۱۳۷۱ تأسیس شد. فعالیت‌های صندوق در ابتدا به اعطای تسهیلات مالی به متقاضیان و اجرای طرح‌های اشتغال‌زا از محل اعتبارات بند ب ماده ۳۸ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین معطوف بود. در طول سال‌های ۷۶-۱۳۷۲، این صندوق ضمن اعطای تسهیلات مالی به متقاضیان وام‌های خوداشتغالی، به احداث، تجهیز و راه‌اندازی مجتمع‌های آموزشی و خوداشتغالی پرداخت. به‌طوری که در پایان سال ۱۳۷۶، صندوق دارای ۲۷ مرکز خوداشتغالی، ۱۴۳ مجتمع آموزشی و اشتغال شهری و ۲۹۸ مجتمع آموزشی و اشتغال روستایی بود که این مراکز جمعاً ۴۰۲۳۱ فرصت شغلی را ایجاد کردند. از سال ۱۳۷۷، سیاست‌های صندوق به حمایت از فرصت‌های شغلی از طریق اعطای تسهیلات مالی به طرح‌های خوداشتغالی معطوف شد. از این رو، مراکز و مجتمع‌های متعلق به صندوق در چندین مرحله طبق مصوبات دولت به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای واگذار شد. در طول برنامه سوم، صندوق هدف خود را، راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک (خوداشتغالی پایدار) قرارداد. در این راستا، انجام مصاحبه خوداشتغالی با متقاضیان تسهیلات و ارائه مشاوره خوداشتغالی به دریافت‌کنندگان تسهیلات، در صدر برنامه‌های صندوق قرار گرفت و در طول سال‌های ۸۳-۱۳۷۱

صندوق ۲۱۹۴۸۸۸ میلیون ریال تسهیلات به ۲۰۱۵۹۸ نفر در کشور پرداخت کرد (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۸۳). این صندوق در اواخر سال ۱۳۷۶، به دنبال تفکیک استان گلستان از مازندران در گرگان فعالیت خود را آغاز کرد، گرچه پرداخت وام اشتغال‌زا از سال ۱۳۷۸ و از محل وجوه اداره شده آغاز گردید، اما دستورالعمل اجرایی ماده ۵۶ قانون برنامه سوم، در سال ۱۳۸۲ ابلاغ شد و به همین دلیل، این وام‌ها طی دو سال آخر برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹) پرداخت گردید که در واقع موضوع مطالعه این پژوهش است.

نرخ بیکاری تا حدودی تابع تقاضای نیروی کار است و تقاضای نیروی کار از یک سو، بیانگر رابطه بین نرخ دستمزد و میزان اشتغال و از سوی دیگر، تابعی از میزان تولید و قیمت تولید است. افزایش قیمت عوامل تولید و کاهش سرمایه‌گذاری می‌تواند به کاهش اشتغال بینجامد و در نتیجه نرخ بیکاری، روندی صعودی را طی کند. جدول (۳) نرخ اشتغال و بیکاری را در طول سال‌های ۸۳-۱۳۷۹، در استان گلستان نشان می‌دهد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان).

جدول (۳): نرخ‌های بیکاری و اشتغال در استان گلستان در طول سال‌های برنامه سوم توسعه

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
نرخ اشتغال	۸۵/۳	۸۵/۹	۹۰/۶	۸۶/۳	۸۷/۴
نرخ بیکاری	۱۴/۷	۱۴/۱	۹/۴	۱۳/۷	۱۲/۶

نرخ مشارکت اقتصادی، بیانگر میزان عرضه نیروی کار است و عرضه نیروی کار، خود تحت تأثیر نرخ بیکاری، سطح تحصیلات، تولید ناخالص داخلی، سطح دستمزدها، جمعیت بالای ۱۰ سال، وضعیت تأهل افراد، درآمدهای غیرکاری و هزینه اجتماعی سرانه و شرایط اجتماعی و فرهنگی است. معمولاً نرخ مشارکت اقتصادی مردان بیش از زنان است. زیرا تأمین مخارج خانوار بر عهده مردان است. جدول (۴) نرخ مشارکت اقتصادی در سطح کشور و استان گلستان در طول سال‌های برنامه سوم توسعه را نشان می‌دهد (بی‌نام، ۱۳۸۶).

جدول (۴): نرخ مشارکت اقتصادی کشور و استان گلستان در طول برنامه سوم توسعه

۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	سطح
۳۸/۲	۳۸/۱	۳۷/۲	۳۷/۲	۳۷/۱	کشور
۳۸/۵	۳۸/۷	۴۰/۸	۴۰/۴	۴۰/۱	استان گلستان

سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا پرداخت وام خوداشتغالی توسط سازمان کار و امور اجتماعی استان گلستان موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار شده است؟
- ۲- آیا پرداخت وام‌های خوداشتغالی توسط صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی استان گلستان به ایجاد اشتغال مورد انتظار منجر شده است؟
- ۳- آیا بین میزان وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده موفق توسط سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا بین وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده و آمار میزان اشتغال ایجاد شده در شهرهای استان گلستان رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

همه دریافت کنندگان تسهیلات وام خوداشتغالی، طبق ماده ۵۶ قانون برنامه سوم که از سازمان کار و امور اجتماعی استان گلستان و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی استان وام دریافت کرده‌اند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در راستای اجرای این ماده در طول سال‌های ۱۳۸۲-۳، سازمان کار و امور اجتماعی استان گلستان، به ۶۲۰ نفر و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی استان به ۴۵۰۹ نفر وام خوداشتغالی پرداخت کرد (اداره مطالعات صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی، ۱۳۸۵). از آنجایی که وام‌گیرندگان در سراسر استان و در بخش‌های مختلف فعالیت می‌کردند و امکان بررسی تک تک افراد میسر نبود، در اواخر سال ۱۳۸۶، از هر دو جامعه نمونه گیری انجام شد. نحوه محاسبه حجم نمونه از وام‌گیرندگان سازمان کار و امور اجتماعی به شرح زیر است.

$$n = \frac{NT^2P(1-P)}{Nd^2 + T^2P(1-P)} = \frac{620(1,96)^2 \times \%50 \times (1 - \%50)}{620(\%10)^2 + (1,96)^2 \times \%50 \times (1 - \%50)} = 83$$

N = حجم جامعه

T = مقدار آماره جدول با اطمینان ۹۵٪

P = احتمال موفقیت وام خوداشتغالی

1-P = احتمال عدم موفقیت وام خوداشتغالی

d = دقت احتمال مطلوب

به منظور افزایش حجم نمونه از مقدار محاسبه شده، حجم نمونه بررسی شده از دریافت کنندگان تسهیلات خوداشتغالی سازمان کار و امور اجتماعی استان به ۹۱ مورد افزایش یافت. حجم نمونه وام گیرندگان صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی، به شرح زیر محاسبه شده است:

$$n = \frac{NT^2P(1-P)}{Nd^2 + T^2P(1-P)} = \frac{4509(1,96)^2 \times \%50 \times (1 - \%50)}{4509(\%10)^2 + (1,96)^2 \times \%50 \times (1 - \%50)} = 354$$

به منظور افزایش حجم نمونه از مقدار محاسبه شده، حجم نمونه دریافت کنندگان تسهیلات خوداشتغالی از استان به ۴۱۶ مورد افزایش یافت.

بعد از تعیین حجم نمونه، با دو گروه از دریافت کنندگان تسهیلات وام خوداشتغالی، به طور تصادفی مصاحبه شد. از آنجایی که هدف از اعطای این نوع وام‌ها، ایجاد خوداشتغالی توسط دریافت کننده وام است، از این رو، پس از شناسایی مکان فعالیت، آدرس و تلفن وام گیرندگان، با آنها مصاحبه شد. اگر دریافت وام موجب اشتغال آنها نشده باشد، آن طرح ناموفق تعریف می‌شود. بنابراین هر مورد پرداخت وام خوداشتغالی دو حالت دارد، یا موفق است یا ناموفق. از این رو، داده‌ها توزیع دوجمله‌ای دارند و احتمال موفقیت مورد انتظار طرح، ۵۰٪ در نظر گرفته شد. زیرا از نظر اداره کل سازمان کار و امور اجتماعی استان، در صورتی که بیش از نیمی از تسهیلات پرداختی موجب خوداشتغالی شوند، آنگاه این طرح به هدف خود رسیده است. منظور از وام خوداشتغالی، تسهیلاتی است که سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی، طبق ماده ۵۶ قانون

برنامه سوم توسعه به هر یک از واجدین شرایط، سی میلیون ریال توسط بانک‌های عمل به منظور ایجاد یک فرصت شغلی جدید پرداخت کرده است. منظور از وام‌های خوداشتغالی موفق، آن دسته از وام‌هایی است که موجب ایجاد یک فرصت شغلی جدید شده است.

از آنجایی که ماده ۵۶ قانون برنامه سوم در سال‌های ۳-۱۳۸۲ در استان اجرا شد، حجم نمونه‌های مورد مطالعه این پژوهش، مربوط به سال‌های مزبور در استان گلستان است. برای بررسی رابطه بین وام‌های خوداشتغالی و اشتغال ایجاد شده در شهرهای استان، از ضریب همبستگی اسپیرمن و برای آزمون فرضیه‌ها نیز از توزیع دوجمله‌ای در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

آزمون سؤال‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش این بود که آیا پرداخت وام خوداشتغالی توسط سازمان کار و امور اجتماعی استان گلستان موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار شده است؟

وام‌های خوداشتغالی سازمان کار و امور اجتماعی استان، موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار نشده است.

$$H_0 : P \leq 50\%$$

وام‌های خوداشتغالی سازمان کار و امور اجتماعی استان، موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار شده است.

$$H_1 : P > 50\%$$

جدول (۵): آزمون سؤال اول پژوهش

SIG	احتمال مورد انتظار	درصد مشاهده شده	تعداد	وضعیت وام پرداختی
۱	۵۰٪	۴۹	۴۵	موفق
		۵۱	۴۶	ناموفق
۱۰۰		۱۰۰	۹۱	جمع

از آنجایی که در جدول (۵) سطح معنی‌داری آزمون بیش از ۵٪ است ($SIG = 1$)، از این رو، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت دلیلی بر رد H_0 نیست. بنابراین، حداقل ۵۰ درصد از وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده توسط سازمان کار و امور اجتماعی استان گلستان، موجب اشتغال وام‌گیرنده نشده است.

سؤال دوم این بود که آیا پرداخت وام خوداشتغالی توسط صندوق حمایت از فرصت های شغلی استان گلستان موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار شده است؟

وام های خوداشتغالی صندوق حمایت از فرصت های شغلی، موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار نشده

$$H_0 : P \leq \%50 \text{ است.}$$

وام های خود اشتغالی صندوق حمایت از فرصت های شغلی موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار شده

$$H_1 : P > \%50 \text{ است.}$$

جدول (۶): آزمون سؤال دوم پژوهش

SIG	احتمال مورد انتظار	درصد مشاهده شده	تعداد	وضعیت وام پرداختی
٪۰۰۰	۵۰٪	۶۶	۲۷۲	موفق
		۳۵	۱۴۴	ناموفق
۱۰۰		۱۰۰	۴۱۶	جمع

طبق جدول (۶) سطح معنی داری آزمون صفر است و کمتر از ۵ درصد می باشد (SIG = ٪۰۰۰). از این رو، با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می توان نتیجه گرفت دلیلی بر تأیید H_0 نیست. بنابراین بیش از ۵۰ درصد وام های خوداشتغالی پرداخت شده توسط صندوق حمایت از فرصت های شغلی استان گلستان موجب اشتغال وام گیرنده شده است.

سؤال سوم پژوهش این بود که آیا بین درصد وام های خوداشتغالی پرداخت شده موفق، توسط سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت های شغلی تفاوت وجود دارد.

درصد وام های خوداشتغالی موفق سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت های

$$H_0 : P_1 = P_2 \text{ شغلی یکسان است.}$$

درصد وام های خوداشتغالی موفق سازمان کار و امور اجتماعی و صندوق حمایت از فرصت های

$$H_1 : P_1 \neq P_2 \text{ شغلی یکسان نیست.}$$

جدول (۷): آزمون اختلاف بین دو نسبت

SIG	آماره Z	اختلاف موردانتظار	اختلاف درصدهای مشاهده شده	درصد وام‌های موفق	مرجع دستور پرداخت وام
٪۰۰۰	۵۰/۸۱	۰	٪۱۷	۴۹	کار و امور اجتماعی
				۶۶	صندوق حمایت

طبق جدول (۷)، سطح معنی‌داری آزمون صفر است و کمتر از ۵ درصد می‌باشد ($SIG = ٪۰۰۰$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با اطمینان بیش از ۹۵ درصد، دلیلی بر تأیید H_0 نیست. از این رو، می‌توان گفت درصد وام‌های خوداشتغالی موفق در صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی استان، بیش از درصد وام‌های خوداشتغالی موفق سازمان کار و امور اجتماعی است.

سؤال چهارم پژوهش این بود که آیا بین وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده و اشتغال ایجاد شده در شهرهای استان گلستان رابطه وجود دارد. برای آزمون تعیین میزان رابطه بین وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده و اشتغال ایجاد شده، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

بین تعداد وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده و اشتغال ایجاد شده رابطه وجود ندارد.

$$H_0 : \rho = 0$$

بین تعداد وام‌های خوداشتغالی پرداخت شده و اشتغال ایجاد شده رابطه وجود دارد.

$$H_1 : \rho \neq 0$$

جدول (۸): آزمون همبستگی بین وام و اشتغال

SIG	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات	مرجع دستور پرداخت وام
٪۰۰۲	٪۸۲۷	۱۱	سازمان کار و امور اجتماعی
٪۰۰۰	٪۹۹۱	۱۱	صندوق حمایت

طبق جدول (۸) بین تعداد وام‌های پرداخت شده و اشتغال ایجاد شده، همبستگی قوی و مثبتی وجود دارد. به طوری که در بین ۱۱ شهر از استان گلستان، در مورد وام‌های سازمان کار و امور اجتماعی ۸۲/۷٪ و در مورد وام‌های صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی ۹۹/۱٪ همبستگی وجود

دارد. از آنجایی که سطح معنی داری هر دو ضریب، کمتر از ۵ درصد است، می توان نتیجه گرفت با اطمینان حداقل ۹۵ درصد بین تعداد وام های خوداشتغالی پرداخت شده و اشتغال ایجاد شده در بین شهرهای استان گلستان رابطه معنی داری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

وام های خوداشتغالی پرداخت شده توسط سازمان کار و امور اجتماعی استان گلستان طبق ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار نشده است. وام های خوداشتغالی پرداخت شده توسط صندوق حمایت از فرصت های شغلی استان گلستان طبق ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، به ایجاد اشتغال مورد انتظار انجامیده است. درصد وام های خوداشتغالی موفق پرداخت شده توسط صندوق حمایت از فرصت های شغلی استان گلستان، بیش از درصد وام های خوداشتغالی موفق پرداخت شده توسط سازمان کار و امور اجتماعی است. بین تعداد وام های خوداشتغالی پرداخت شده و اشتغال ایجاد شده در بین شهرهای استان گلستان، همبستگی معنی داری وجود دارد. بررسی ها نشان می دهند که نظارت بازرسان و کارشناسان صندوق حمایت از فرصت های شغلی بعد از اعطای وام، بیشتر از سازمان کار و امور اجتماعی بوده است. علاوه براین، رسیدگی به سایر شرایط لازم برای متقاضیان وام در صندوق حمایت، جدی تر از رسیدگی های اداره کار بوده است. به طوری که صندوق حمایت به منظور موفقیت وام های خود، چند نوع بازرسی را اعمال می کرد. اول بازرسی قبل از پرداخت به منظور بررسی صحت شرایط عمومی متقاضی به ویژه از نظر بیکاری. دوم مصاحبه خوداشتغالی به منظور ارزیابی توانایی های فنی و مدیریتی متقاضی. سوم بازرسی پس از پرداخت از جمله الزام گیرنده وام به ارسال اظهارنامه شروع فعالیت بعد از دو ماه. از آنجایی که صندوق حمایت، از بین متقاضیان وام خوداشتغالی "انتخاب مناسب" را انجام داده، به همین دلیل اثربخشی وام های خوداشتغالی صندوق حمایت، بیشتر از وام های خوداشتغالی اداره کار استان بوده است.

پیشنهادهای پژوهش حاضر به شرح زیر است:

قبل از پرداخت تسهیلات، ظرفیت ها و زیرساخت های ضروری در هر بخش از اقتصاد، تجهیز و آماده سازی شود. بانک های عامل، وام های خوداشتغالی را فقط برای مشاغل معرفی شده از مراجع قانونی پرداخت کنند. بانک های عامل از پرداخت نقدی وام خوداشتغالی به متقاضیان خودداری نمایند

و تسهیلات مزبور را به فروشندگان در قبال خرید یا اجاره ماشین‌آلات و تجهیزات پرداخت کنند. دوره تنفس وام‌های خوداشتغالی، متناسب با ماهیت بخش صنعت و کشاورزی و خدمات متفاوت باشد. بازپرداخت اقساط وام، پلکانی تنظیم شود، به طوری که در سال‌های اول، مبلغ اقساط کم و در سال‌های بعد، از رشد معقولی برخوردار شود. وام خوداشتغالی پس از نظارت قبلی در بیش از یک مرحله پرداخت شود. مبلغ وام خوداشتغالی متناسب با نوع کار و مشاغل، متفاوت باشد و وام خوداشتغالی متناسب با نرخ بیکاری هر شهر پرداخت شود. همچنین لازم است مرجع تشخیص و صدور مجوز پرداخت وام‌های خوداشتغالی در هر بخش (صنعت، معدن، کشاورزی، خدمات، و غیره) توسط همان اداره کل ارزیابی و به بانک عامل معرفی شوند. لازم است سایر شرایط متقاضیان از نظر مهارت، آموزش، تجربه و تخصص، به طور جدی مورد بررسی قرار گیرد و سپس متقاضی به بانک معرفی شود. بانک عامل باید اختیار و توانایی رسیدگی داشته باشد تا با نظارت بعد از اعطای وام اطمینان حاصل کند که تسهیلات پرداختی موجب ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شده است.

منابع

الف) فارسی

- آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه، مصوب ۱۳۸۱/۲/۱۵ هیئت وزیران. اداره مطالعات صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی (۱۳۸۵) گزارش عملکرد صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی گلستان، انتشارات صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی. بی‌نام (۱۳۸۶)، هفته‌نامه برنامه، شماره ۲۱۲، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی).
- بی‌نام (۱۳۸۳) خوداشتغالی، دفتر امور پژوهش صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی، انتشارات وزارت کار و امور اجتماعی.
- تافلر، الوین (۱۳۷۷)، موج سوم، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی، انتشارات فاخته.

جلالی، سعید (۱۳۸۰) قانون برنامه سوم توسعه در نظم حقوقی جدید، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان، سالنامه‌های آماری سنوات ۸۳-۱۳۷۹، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان، مدیریت امور پشتیبانی، معاونت آمار و اطلاعات.
 عالی‌پور، زهره (۱۳۸۳) خدمات اشتغال‌زایی در کشور آلمان، فصلنامه تعاون، ۱۳۸۳، شماره ۶۷.
 علاءفر، صدیقه (۱۳۸۱) خوداشتغالی (کار برای خود)، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
 میدری، احمد (۱۳۸۳) علل موفقیت چین در ایجاد اشتغال، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
 وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۸۳) گزارش عملکرد چهارساله صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی، اداره کل خدمات اشتغال، انتشارات وزارت کار و امور اجتماعی.
 وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۸۱) آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به طرح سیصد هزار فرصت شغلی، انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاران اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی.

ب) انگلیسی

- Baumgartner, H. j. and Caliendo, Marco (2007) DIW Berlin and IZA turning unemployment into self-employment discussion paper, No. 2660, pp: 1-59.
- Blanchflower, David (2005) self –employment around the world u. s. bureau of labour statistics, Gale group, pp: 1-33.
- Budig, michelle j. (2007) Intersection on The road to self – employment, Institute university of Massachusette.
- Gloker, Daniela and Steiner Viktor (2007) Self employment a Way to unemployment? DIW German institute for economic research Berlin, discussion paper No. 2561, pp: 1-38.
- Goetz, Stephan j. (2006) The place-Based structural determinants and effects of self-employment. The pensylvania state university park.
- Mauda, Toussaint, comeau (2006) self–employment immigrants, an analysis resent data. Chicago, fed letter.
- Stevao, Marcello (2007) Labor Policies to raise employment, IMF, Staff Paper, vol. 54, No.1, pp: 1- 43.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بودجه‌ریزی عملیاتی؛ ابزاری برای بهبود روش‌ها و برنامه‌ها در دانشگاه با نگاهی ویژه به سیستم ABC

نویسندگان: سید حامد هاشمی*
سعیده پورامین‌زاد**

چکیده

با تصویب قانون ساختار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، انجام تغییرات اساسی در نظام مدیریت دانشگاه ایران قطعی شده است که مهمترین بخش این تغییرات، به نظام مالی دانشگاه مربوط می‌شود. در نظام بودجه‌ریزی متداول در مؤسسات آموزش عالی، بودجه بر اساس عوامل متعددی مانند تعداد دانشجویان، اعضای هیأت علمی و کادر ستادی تعیین می‌گردد، یعنی تخصیص هزینه‌ها طبق یک معیار حجمی انجام می‌شود و هیچ‌گونه تفکیکی بین انواع هزینه‌های دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی انجام نمی‌شود. همچنین میزان هزینه برخی دروس، توسط منابع مازاد حاصل از ارائه

hamed58h@gmail.com
saeedeh_p68@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان گیلان
** دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام‌نور استان گیلان